

نقش و کیل دادگستری در کشورهای دیکتاتوری

و کشورهای دموکراتیک

در جوامع متمدن امروزی وکیل دادگستری مظهر از خود گذشتگی، جرأت، شهامت، پرچمدار آزادی و حق و عدالت حامی مظلوم و دشمن سرسخت ظلم، استبداد و بی قانونی شناخته میشود.

معیار و سنگ محک هر کشور متمدن وضعی است که وکلای مدافع آن کشور دارند اگر چنانچه جامعه و کلا طبق قوانین و مقررات مصوب آزادی عمل داشته بتوانند از حقوق مردم دفاع کنند آن جامعه را متمدن و آزاد مینامند. و اگر وکلای دادگستری آزادی عمل نداشته مثل مستخدمین دولت فرمانبردار و آتش بیار معرکه بحساب بیایند آن جامعه را مطلق خواه و دیکتاتوری مینامند.

اولین اجتماعی که برای وکیل دادگستری حق و مقامی قائل بوده است یونان مهد افلاطون - ارسطو - سقراط و هزاران فلاسفه بنام دیگر است.

در جوامع قدیمی تر از قبیل - مصر - بابل - کله - اشور - ایران وکیل دادگستری وجود نداشته است.

از اوایل قرن ۱۶ میلادی در اروپا که ارزش فرد در جامعه مسجل شده وکیل مدافع جزء لازم زندگانی اجتماعی شناخته شده است.

قرن نوزده دوران تجلی آزادی خواهی و آزاد اندیشی است وکلای مدافع که حامیان حق و عدالت و آزادی بوده اند گل سرسبد جامعه قلمداد میشدند و بقول استاندال Standal قرن ۱۹ را باید قرن آزادی و یا قرن وکیل دادگستری حامیان آزادی نامید.

وقتی که آزادی افراد کامل بوده اصل احترام فرد و مصونیت اجتماعی شخص جزو مسلمات قلمداد میشده است مقام و منزلت وکیل دعاوی زیاد تر بوده و تأثیر نطق و بیان و حمایت و کلا از مردم بیشتر.

اعلامیه ۲۶ اوت ۱۷۸۹ انقلابیون فرانسه در ماده ۷ صریحاً اصل احترام فرد را منجزاً اعلام کرده و بجهانیان آموخته است که هیچکس را نمیتوان بازداشت یا زندانی و حتی متهم نمود مگر بحکم قانون و طبق مقررات قانونی.

در ماده (۹) همان اعلامیه اصل برائت متهم تصریح شده است بدین مضمون « هر کس تا خلاف آن ثابت نشده است بیگناه است ».

فرض وکیل دادگستری در کشورهای دیکتاتوری

جز در موارد ضروری و بجهت قانونی نباید کسی را بازداشت نمود اگر چنانچه ثابت شود که برای بازداشت غیر ضروری شخصی اقدام شده و یا سخت گیری نامتناسبی بعمل آمده است مرتکب بسختی بمجازات قانونی خود خواهد رسید .

در کنگره بین المللی حقوق کیفری رم (از ۲۷ سپتامبر تا سوم اکتبر ۱۹۵۴) برای تأمین آزادی فردی مقررات زیرین از طرف پنجاه و هفت کشور مورد قبول یافته سرمشق کار قرار گرفته است

اصل اول - کلیه فعالیت و اقدامات پلیس و دستگاه شهربانی باید تحت نظر و نظارت دادگستری انجام گیرد. و دولت و سیاستهای روز بهیچوجه نباید در جریان کارها تأثیر داشته باشند. از این لحاظ باید در انتخاب پلیس و مأمورین تحقیق شهربانی نهایت دقت و مراقبت را معمول داشت که افراد با شخصیت باایمان طرفدار حق و حقیقت انتخاب شوند و کسانیکه از اصول مقرر تخلف میکنند بمجازات انضباطی شدید رسیده یا ازدستگاه طرد شوند .

اصل دوم - در اولین جلسه رسیدگی بازپرس مکلف است پس از پرسیدن اسم متهم باو اعلام کند که مجبور نیست بهیچ یک از سوالات بازپرس پاسخ دهد و اگر چنانچه وکیل از خود ندارد میتواند تقاضا کند که وکیل مدافعی برای او از همان مرحله مقدماتی تعیین نمایند .

وکیل مدافع در تمام جریانات بازپرسی با موکل خود تماس داشته او را هدایت و حمایت میکند .

اصل سوم - نسبت به متهم هیچ نوع سخت گیری و یا آزار روحی و جسمی از قبیل بیخوابی دادن و غیره برای اقرار گرفتن نباید معمول گردد .

اصل چهارم - اقرار متهم بهیچوجه دلیل قانونی شمرده نمیشود و باید کلیه اوضاع و احوال و خصوصیات عمل مؤید اقرار قرار بگیرند . تا مفید قطع و یقین قاضی بشود .

اصل پنجم - حتی الامکان باید از بازداشت موقت متهم خودداری نمود و جز در موارد ضروری و فوری متهمی را بازداشت نکرد .

حال بینیم در حکومتهای مطلق خواه و دیکتاتوری چه رفتاری نسبت به متهم اجرا میشود؟ در این کشورها اصول زیرین رایج بوده مقررات عادی و قانونی قلمداد میشوند .

۱ - دادستان و قضات دادگستری مثل خدمتگزاران عادی دولتی اقدام کرده همه کارها را طبق دستور دولت انجام میدهند و هیچ آزادی عمل از خود ندارند .

۲ - وکلای دادگستری آزادی بیان و رفتار نداشته مجبورند نظریات دولت را اجرا کنند. و کلاه مهره کوچکی در دستگاه دولتی بحساب آمده کاری باینکه موکلشان واقعا گناهکارند و یا بیگناهند ندارند .

۳ - متهم اگر چنانچه باسانی بخطای خود اقرار نکند انواع و اقسام شکنجه را نسبت

فلسف وکیل دادگستری در کشورهای دیکتاتوری

باو معمول میدارند تا صریحا بگناه خود اقرار کند و از ترس شکنجه در محاکم هم اقرار سابق خود را تأیید کند. بقول فرانسوا موریاک نویسنده معروف فرانسوی همانطور که قورباغه را در آزمایشگاه برای آزمایش حاضر میکنند همین طور متهم را در محاکم قبلا حاضر کرده بمعرض نمایش میگزارند.

۴ - قانون وکلای دادگستری یک اداره دولتی است که کار را فقط بین کسانی که مطیع محض بوده از خود هیچ ابتکاری ندارند تقسیم میکنند و از دولت در مقابل کار انجام داده پاداش میگیرند. وکیل با موکل هیچ نوع ارتباط مالی ندارد.

۵ - وکیل ملزم بر ازداری و سرپوشی از لحاظ شغل نیست باید هر نوع اطلاعی بدست میآورد در دسترس دستگاه دولتی بگذارد.

در کنگره آتن که از نمایندگان ۴۸ مملکت در ماه ژوئن ۱۹۰۰ در شهر آتن تشکیل گردید اصول زیرین پس از یکماه بحث و فحص مورد تصویب قطعی قرار گرفت بدون گزافه گوئی میتوان منشور آتن را منشور آزادی و آزادیخواهی ملل نامید بدین شرح.

۱ (دولت و دستگاههای دولتی باید تابع قانون بوده طبق قانون اقدام نمایند.
۲ (دولت باید آزادی افراد را نصب العین خود قرار داده اجازه ندهد آزادی افراد دستخوش تجاوزات و تعدیات دستگاههای دولتی قرار گیرد.

۳ (قضات دادگستری باید حق و عدالت را سرمشق خود قرار داده فقط بتدای وجدان گوش دهند و تابع هیچ نوع دسته بندی حزبی و یا تمایلات سیاسی دولتها قرار نگیرند
۴ (وکلای دادگستری بایستی مظهر استقلال و آزادیخواهی بوده برای حمایت از حق و عدالت و دفاع از مظلوم از هیچگونه اقدام قانونی خودداری نکنند. تا محاکم متهمین با کمال آزادی و شرافتمندی بدون هیچ گونه فشار انجام گیرد.

آقای «تئوفریدنو» Theo Fredenau عضو کمیته اجرائیه کنگره آتن و وکیل مبرز دادگستری آلمان غربی که چندی پیش در خاورمیانه مسافرت نموده برای ایجاد انجمن حقوق دانان ایران با ما تشریک مساعی نمود در مقدمه سخنرانی مفیدی که در انجمن ایران و آلمان در تهران ایراد کرد و اختلافات دستگاههای دادگستری را در آلمان غربی و شرقی بیان نمود (جمله معروف ادموندریک) فیلسوف معروف انگلیسی را وظیفه هر فرد با شخصیت و آزاد جلوه داد ما هم همان جمله را در اینجا تکرار کرده تا سرمشق شیفته گان آزادی و آزادیخواهی قرار گیرد.

« آنهائیکه به رژیم دیکتاتوری تن در میدهند و آنهائیکه میخواهند بوسیله دیکتاتوری و استبداد حکومت کنند هر دو جانی و تبه کار هستند باید با تمام قوا در مقابل این دودسته مقاومت نمود عدالت با دیکتاتوری بهیچوجه سازگار نبوده دشمن دائمی یکدیگر بحساب میآیند. تحمل ظلم و جور از ظالم جنایت است.»